

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۰ جولای ۲۰۲۲

قوانین و عملکردهای حکومت اسلامی متجاوزان و جنایتکاران را حریص تر می کنند!

رسانه های ایران ۱۸ تیر ۱۴۰۱ - ۹ ژوئیه ۲۰۲۲، به نقل از وکیل تعدادی از شاکیان پرونده کیوان اماموردی، که با اتهام گسترده «تجاوز به زنان» روبروست گفته اند او به اعدام محکوم شده است. این حکم «بدوی» اعلام شده است.

کیوان اماموردی اوایل شهریور ۱۳۹۹ در پی افشگری ده ها زن در توئیتر و اینستاگرام بازداشت شد. به گفته شاکیان، او به قربانیان خود پس از خوراندن مشروب حاوی مواد بیهوش کننده تجاوز می کرده است.

اماموردی در جریان تحقیقات اتهامات مطرح شده را رد کرده و گفته بود که این افراد با رضایت خودشان به خانه او رفته اند.

آن طور که برخی از رسانه های داخل ایران نوشته اند، کیوان اماموردی «متولد سال ۱۳۶۶ و دانش آموخته رشته باستان شناسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران است و در یک کتابفروشی در حوالی میدان انقلاب تهران» کار می کرد.



روز شنبه، ۱۸ تیرماه ۱۴۰۱، «شیم قوشه»، وکیل ۵ زن شاکی پرونده «کیوان اماموردی»، متهم به تجاوز به ده ها زن، اعلام کرد که دادگاه بدوی برای متهم حکم اعدام صادر کرده است. اتهام کیوان اماموردی در این دادگاه، نه تجاوز یا آنچه در ادبیات قانون مجازات اسلامی، «زنای به عنف» خوانده می شود، است؛ بلکه اتهام او افساد فی الارض بود که مطابق قوانین ایران، با مجازات اعدام روبروست. حالا، در سه روزی که از اعلام عمومی این حکم می گذرد،

بسیاری از فعالان حقوق زنان و برخی از شاکیان این پرونده، در شبکه‌های اجتماعی نوشته‌اند این دادگاه و حکمی که صادر کرده، برای آنان، اجرای عدالت نیست. آن‌ها می‌گویند که حکم اعدام برای کیوان امام، می‌تواند زنان دیگری را که از تجاوز و آزار جنسی آسیب دیده‌اند، مجبور به سکوت کند.

پلیس در همان ماه‌های نخستین از کشف مستنداتی که فردی به نام «کیوان امام‌وردی» از تجاوز به این زنان و زنان دیگری ثبت می‌کرده، خبر داد. اعلام شد که ۴۶ فیلم از تجاوز او به این زنان پیدا شده و حتی خودش اعتراف کرده که به ۳۰۰ زن تجاوز کرده است.

پس از آن، پرونده او از دادسرای کیفری به دادگاه انقلاب تهران منتقل شد و قاضی «محمدرضا عموزاد»، که سال‌ها مستشار «محمد مقیسه»، معروف به «قاضی مرگ» بود، ریاست دادگاه کیوان امام‌وردی را برعهده گرفت.

در جریان بازپرسی‌ها و بعدتر دادگاه، به‌گواه گفته‌های شاکیان او، کیوان امام‌وردی، هرگز در موقعیتی قرار نگرفت تا از زنانی که او را متهم به تجاوز کرده بودند، عنرخواهی کند. حتی برعکس، در دست‌کم دو جلسه دادگاه، کیوان امام‌وردی، زنان شاکی خود را به جریان «من‌هم» یا «می‌تو» ایران وصل کرده و مدعی شده بود که این جنبش «فمینیستی» و «صهیونیستی» است و این زنان «ضد نظام» هستند.

بعد از این‌که جلسات دادگاه چند بار به دلایل نامعلومی لغو شد، درست پیش از برگزاری جلسه نهایی دادگاه، زنان شاکی کیوان امام‌وردی، در نامه‌ای از همراهان خود خواسته بودند که آن را تنها نگذارند. آن‌ها از هراس خود از اجرا نشدن عدالت و رنجی که در طی دو سال بررسی قضایی این پرونده متحمل شده بودند، در آن نامه نوشته بودند.

تابستان سال ۱۳۹۹، در جریان روایت‌گری زنان ایرانی از آزار و تجاوز جنسی که به‌نام جنبش «می‌تو» (من‌هم) شناخته می‌شود، چندین زنان جوان که حتی همدیگر را نمی‌شناختند، اعلام کردند که کیوان امام‌وردی با فریب آن‌ها را به منزل خود در تهران برده و با مسموم کردن نوشیدنی آن‌ها، بعد از این‌که آن‌ها هوشیاری خود را از دست داده‌اند، به آنان تجاوز کرده است.

۵ نفر از این زنان، برای پیگیری قضایی، وکالت خود را به «شیم قوشه»، فعال زنان و وکیل حقوق‌بشری دادند و او علیه کیوان امام‌وردی، طرح دعوی کرد.

خانم قوشه گفته است: «عنوان دقیق شکایت موکلین من زنای به عنف بوده که دادگاه در حکم صادره به مواد مربوط به آن استناد کرده که در بحث جبران خسارت آن را مسکوت گذاشته که حتماً به آن اعتراض خواهیم کرد.»

«زنای به عنف» رابطه جنسی به زور و اجبار و بدون رضایت طرف مقابل است که بر اساس قوانین جاری در ایران مجازات آن «اعدام» است.

هشتگ «می‌تو» یا «من‌هم» ابتدا به زبان انگلیسی بود که کاربران ایرانی بعداً به آن پیوستند.

همان موقع بود که تعدادی از کسانی که خود را قربانی معرفی کرده بودند، از کیوان امام‌وردی نام بردند.

بر اساس آنچه شاکیان روایت کرده‌اند، «قربانیان» با انتشار عمومی متن مکالمات خود در فضای مجازی مدعی شده بودند که متهم قربانیان را به خانه خود دعوت می‌کرده و پس از بیهوش کردن آن‌ها با مشروب به آن‌ها «تعرض» می‌کرده است.

بعضی دیگر مدعی شده بودند که متهم با تهیه فیلم از «تعرض» آن‌ها را وادار به سکوت می‌کرده است.

در شهریور ماه ۱۳۹۹، حسین رحیمی رییس پلیس تهران اعلام کرد فردی که در توئیتر روایت و گزارش‌هایی درباره «آزار و تعرض جنسی» او به دختران دانشجو منتشر شده بود، بازداشت شده است.

اولین جلسه دادگاه کیوان اماموردی در آبان برگزار شده بود؛ دادگاه رسیدگی به پرونده او در مواردی برگزار نشد اما آخرین جلسه رسیدگی به این پرونده تیر ماه امسال بود.

اماموردی اتهام «فساد فی الارض» را رد کرده و گفته: «بدون رضایت با کسی رابطه نداشته است.» اما نماینده دادستان و پلیس، به موارد متعددی در پرونده استناد کرده‌اند و می‌گویند که متهم، «بدون رضایت شاکیان با آن‌ها رابطه جنسی برقرار کرده است.»

رسانه‌های ایران می‌گویند کیوان اماموردی در بازجویی‌ها مدعی شده که با قربانیان خود در فضای مجازی آشنا شده و «آن‌ها با پای خود به خانه‌اش آمده‌اند و فقط به خاطر هیجان این کارها را انجام داده است و هیچ تنفیری از زنان نداشته است.»

پیش‌تر شاکیان این فرد در شبکه‌های اجتماعی نوشته بودند: «آزاد بودن این فرد برای همه ما خطرناک است و حضور او می‌تواند برای همه زنان و جامعه ایجاد ناامنی داشته باشد، خصوصاً برای ما حتی فکر کردن به نفس کشیدن در شهری که کیوان اماموردی در آن رها باشد وحشت‌آور است.»

به گزارش گروه اجتماعی خبرگزاری برنا؛ رییس پلیس تهران اعلام کرد که متهم به تجاوز به بیش از ۳۰۰ دختر طی ۱۰ سال اعتراف کرده و ماموران پلیس از مخفی‌گاه او فیلم‌های سیاهی از تجاوز به ۴۶ دختر کشف کرده‌اند. از بین شاکیان متهم که حدود ۳۰ نفر هستند، ۱۰ نفر در مواجهه حضوری با متهم او را شناسایی کرده و بقیه شاکیان نیز به صورت تلفنی با دادسرا تماس گرفته و شکایت خود را مطرح کرده‌اند. شاکیان این پرونده دختران جوانی اهل تهران و برخی از شهرستان‌ها هستند و حتی برخی از آن‌ها از خارج از کشور با دادسرا تماس گرفته و شکایت خود را مطرح کرده‌اند.

به گزارش رکنا، هر دختری سرنوشتی را فاش کرد که با رفتن به خانه ک- الف به او مشروبات الکلی آغشته به موادهای بی‌هوش‌کننده خورانده شده است سپس برهنه و در حالی که مورد تجاوز قرار گرفته بودند به هوش آمده‌اند. برخی نیز نوشته بودند که به اصرارهای این پسر جوان گوش نداده‌اند و به خانه‌اش نرفته‌اند و حالا می‌بینند دانشجویهای دیگر فریب خورده‌اند و از این‌که خودشان به دام ک-الف نیفتاده‌اند راضی‌اند.

عجیب این‌که برخی پسران که خود را دوست ک-الف نامیده‌اند ادعا داشته‌اند این پسر دانشجو از اقدامات شیطانی و تجاوز به دختران با روش‌های مختلف نزد آن‌ها حرف زده است. یکی از دختران نوشته که وقتی اصرارهای ک-الف را به رفتنش خانه‌شان نپذیرفته پیشنهاد صبحانه املت گرفته و نهایتاً عنوان داشته از پسران قد کوتاه خوش نمی‌آید تا توانسته از زیر فشارهای ک-الف خلاص شود.

این دختران در اقدامی هم‌زمان گفته بودند متجاوز سربالی تهران الان چرا باید آزادانه در دانشگاه ... راست راست بچرخد به کارهایش ادامه دهد و آن‌ها ناراحتی روحی و روانی داشته باشند.

به گزارش رکنا عصر جمعه همشهری آنلاین نوشت: کاش من تنها بودم. اگر فقط به من تجاوز کرده بودی حرفی نمی‌زدم و به ترابی ادامه می‌دادم اما الان می‌بینم به تن خیلی‌ها دست‌رازی کردی با سناریوهای مشابه. تو واقعاً برای جامعه خطرناکی. امیدوارم حیات اجتماعی‌ات مختل بشه همون‌طور که زندگی این همه آدمو به نابودی کشوندی. این یک روایت از ده‌ها و صدها روایت تجاوز فردی به نام ک-الف است که به‌نظر می‌رسد بر اساس آنچه در فضای مجازی منتشر شده است با داستانی مشابه ده‌ها دختر را به خانه خود کشانده و...

داستان آشنا و تکراری است. فرد دیگری توبیبت کرده است: یکی از دانشجویان قدیمی دانشگاه تهران با پرسه‌زنی و چشم‌چرانی در فضای داخلی دانشگاه می‌چرخد و با چرب‌زبانی دانشجویان دختر جوان را به خانه خود دعوت می‌کند.

مقاومت بی‌فایده است و پسر ریزاندام سرانجام به خواسته خود می‌رسد. رفتن به خانه همان و باز شدن در کمد پر از نوشیدنی‌های الکلی همان. بعد نوبت به نوشیدن می‌رسد و دختر از همه جا بی‌خبر وقتی به هوش می‌آید می‌بیند کار از کار گذشته و برهنه روی تخت افتاده است...

قبل از این هم نام یکی از مدرسان کنکور به اتهام آزار جنسی دادن شاگردانش در شبکه‌های اجتماعی مطرح شده بود. در آن روزها، یک زن ایرانی نوشته بود به خانه دوستش رفته، شرابی خورده که احتمالا در آن داروی خواب‌آور بوده، و صبح با بدن برهنه و زخمی از تجاوز بیدار شده. یک دانش‌آموز از تجاوز معلمش نوشت که بسیار به او اعتماد داشته است و زنی دیگر از شخصی مشهور نام برد که در یک قرار کاری او را آزار داده است.

زهره نویدپور ۲۸ ساله که در دعوای حقوقی از سلمان خدادادی، نماینده مجلس ششم ناامید شد و پرونده راه به جایی نبرد جسدش در خانه‌ی پدری پیدا شد و گفتند که خودکشی کرده است. او روایت آزارهای جنسی که بر وی وارد آمده بود با فایل صوتی و تصویری علیه نماینده مجلس مردم ملکان ارائه داد اما نه دستگاه قضایی و نه فرهنگ مسلط و انگاره‌های سنتی بر او باور نکردند.

این چند روایت فقط بخشی از وقایع ناگوار بسیاری است که متأسفانه به‌طور مرتب در جامعه ما بازتولید می‌شود. به علاوه هر انسان را به فکر وادار می‌کند ایا انسان‌ها این قدر بی‌رحم شده‌اند و یا فرهنگ و سیاست غالب بر جامعه آن‌ها را این قدر جانی به بار می‌آورد؟

هنگامی که جنبش «می‌تو» در جهان راه افتاد یکی از زنان ایرانی تجاوز شده نوشته است که اگر موضوع را علنی می‌کرد اول پدرش او را می‌کشت.

یکی از اولین مواردی که در توییتر مطرح شد، گفته‌های چند دانش‌آموز درباره تجاوز یک معلم مرد به آن‌ها بود؛ روایت‌هایی مشابه درباره شیوه‌ای که برای آزار جنسی آن‌ها به کار رفته بود و آسیب روحی که در آستانه کنکور متحمل شده بودند. اما مدتی بعد این روایت‌ها و حساب کاربری راویان که بعضی حالا دانشجوی هستند، پاک شد. حتی بعضی از آن‌ها متنی برای عذرخواهی نوشتند. اقدامی که در توییتر از آن به عنوان «فشار برای حذف» روایت تجاوز یاد شد.

در چند مورد دیگر دانشجویانی از تجاوز یک استاد دانشگاه به خود نوشتند که باز هم روایت‌های غیر رسمی تاییدکننده یکدیگر و شکل تجاوز بود.

در یک مورد چند نفر از یک چهره شناخته شده در دانشگاه نام برده و گفتند که آن‌ها را به خانه یا نهار دعوت کرده و در حالت خواب یا بیهوشی به آن‌ها تجاوز کرده است. ادعایی که برای بررسی به دادگاه نرفت.

توییست چند روزنامه‌نگار درباره تعرض دو چهره مشهور هنری به آن‌ها زمانی که در ایران بودند، توجه بسیاری جلب کرد.

«سارا امتعلی» آرزو کرده بود که قبل از مرگ شهامت نوشتن پیدا کند: «می‌دونید بخش تلخ قصه کجاست؟ این‌که در ۸ سالی که خبرنگار بودم، از سوی چندین آدم معروف و مسئول مورد آزار جنسی قرار گرفتم و شاهد بی‌شمار اتفاق مشابه برای دوستان زن روزنامه‌نگارم بودم. اما جرات و حوصله ندارم از اون آدم‌ها بنویسم، چون مطمئنم باید به کلی آدم جواب پس بدم.»

شاید یکی از مهم‌ترین دلایل پنهان ماندن روایت‌ها، ترس محکوم شدن در افکار عمومی و شماتت دوست و نزدیک و خانواده باشد اما اگر قانون راهی برای پیگیری تجاوز باقی بگذارد، امیدی برای شاکیان باقی خواهد ماند.

روایت‌های بسیاری از دستگاه قضایی حکومت اسلامی ایران در برخورد با اتهام تجاوز بسیار است. مخصوصا که اگر تجاوز ثابت نشود، روی دیگر سکه، اتهام زنا و مجازات خود زن است. و به‌ویژه این‌که زن با پای خود به خانه مردی رفته باشد.

ملیکا قراگوزلو، خبرنگار، تجربه‌اش از شکایت از دو متجاوز را برای قربانیان خاموش تعریف کرده تا شاید آن‌ها هم شهادت لازم را پیدا کنند؛ هرچند او حکم محکومیت متهمان را با سختی بسیار به دست آورده است. او در یک رشته توییت نوشته که دو پسر بعد از سوار کردن او به ماشین در پارکینگ خانه یکی از پسرهای او تجاوز کرده‌اند. ابتدا ترسیده و مستاصل بوده اما بعد از کمی مشورت به پزشک قانونی رفته و با پرداخت ۲۰۰ هزار تومان گواهی تجاوز گرفته است.

قراگوزلو می‌گوید بارها به کلانتری رفته و «دست به سر» شده و آن‌قدر پیگیری کرده و با مامور به خانه پسر رفته تا در نهایت دادگاه رای محکومیت پسر، حبس و تبعید او را تایید کرده است. اما همه شکایت‌ها به حکم دادگاه علیه متهم ختم نمی‌شود.

زهره نویدپور زنی بود که از سلمان خدادادی، یکی از نمایندگان مجلس پیشین به اتهام تجاوز شکایت کرد. اما بعدا گفت که به مرگ تهدید شده است.

یکی از مقام‌های قوه قضاییه ایران گفت که نماینده مجلس از اتهام تجاوز تبرئه و به جرم زنا به شلاق محکوم شده است. جسد خانم نویدپور مدتی بعد در خانه‌اش پیدا شد.

به اعتقاد برخی وکلا و فعالان حقوق زنان دستگاه قضایی در تمام کشورها در برابر این جرم آسیب‌پذیر و نیمه‌فلج است چون راه‌های فعلی اثبات جرم بسیار محدود است. اما در ایران نگاه جرم‌انگارانه به رابطه جنسی هم بر سختی کار افزوده است.

با این حال روایت‌های تجاوز و آزار جنسی گرچه ممکن است به حکم قضایی منجر نشود، اما طرح آن در شبکه‌های اجتماعی بسیاری را متوجه موضوعاتی کرده که قبلا برایشان سؤال بود:

این‌که وقتی یکی از دو طرف رابطه بگوید نه، اصرار برای ارتباط جنسی تجاوز است؛ این‌که دختری به خانه پسری برود به این معنی نیست که حتما سکس می‌خواهد. شراب خوردن با یک مرد به معنای بله گفتن به رابطه جنسی با او نیست. دستمالی در محل کار آزار جنسی است. متلک گفتن و حتی از زیبایی یک زن تعریف کردن آزار جنسی است و ...

تا آن‌جا که به ماجرای دردناک و غیرانسانی تجاوز به زنان برمی‌گردد اثبات تجاوز و تعدی جنسی مخصوصا وقتی سال‌ها از آن گذشته باشد، در تمام دستگاه‌های قضایی دنیا کاری دشوار است. اما در ایران مشکل مهم دیگر همراهی نکردن خانواده و جامعه و گاهی حتی بدتر شدن شرایط اجتماعی و قوانین حقوقی حاکمیت برای آزار دیده است.

تجاوز و آزار جنسی یکی از آسیب‌هایی است که انسان در طول تاریخ، کمابیش به آن دچار بوده و هست. با وجود پیشرفت فرهنگی و اجتماعی، انسان امروز هنوز هم با تجاوز جنسی و آسیب‌های روانی ناشی از آن دست و پنجه نرم می‌کند. تعریف‌های گوناگونی از دیدگاه قانون، جامعه‌شناسی، فلسفه دین و ... برای تجاوز وجود دارد. یکی از کامل‌ترین این تعریف‌ها بر پایه روان‌شناسی تجاوز و آزار جنسی چنین است.

«تجاوز، رفتار خشونت آمیز جنسی بدون رضایت طرف مقابل است که با زور و اجبار انجام می‌شود.»

قربانی تجاوز می‌تواند از هر سن یا جنسی باشد. موارد بسیاری از تجاوز و آزار جنسی در میان کودکان و سالمندان و حتی نوزادان گزارش شده است. آزار جنسی و تجاوز تنها در زنان رخ نمی‌دهد مردان هم بخشی از قربانیان تجاوز و آزار جنسی هستند. پذیرش این‌که به مردها هم تجاوز جنسی شود برای برخی از مردم به ویژه زنان ممکن نیست.

در هر صورت قربانی تجاوز و آزار جنسی چه مرد و چه زن باشد دچار آسیب شده است و هیچ لذتی از این رخداد ناگوار نمی‌برد. تجاوز به مردان بیش‌تر از سوی مردان انجام می‌شود تا از سوی زنان.

بزرگ‌ترین گروه قربانیان تجاوز، کودکان (چه دختر و چه پسر) و کودکان استثنایی هستند. آمار تجاوز به کودکان بسیار بالاست و آسیب‌های روانی و جسمانی بیش‌تری را به همراه دارد.

افراد در هر سطح فرهنگی و اقتصادی ممکن است دست به تجاوز و آزار جنسی بزنند. بر خلاف ادعاهای دین‌داران، عامل دین‌داری اثر قابل توجهی در جلوگیری از تجاوز و آزار جنسی ندارد. آمارهای تجاوز و آزار جنسی در گردهمایی‌های دینی، کلیساها و حتی جلسات قرآنی بسیار چشمگیر است.

تجاوز همیشه از سوی افراد ناآشنا رخ نمی‌دهد احتمال بروز تجاوز از سوی آشنایان کم نیست. پس تجاوز ممکن است از سوی همسر، دوست و حتی اعضای اصلی خانواده (مادر، پدر، خواهر و برادر) انجام شود. متجاوزین به کودکان معمولاً کسانی هستند که با کودک ارتباطی نزدیک دارند یا مورد اعتماد پدر و مادر هستند. عمو، دایی، خاله، دوستان خانوادگی، آموزگار و ... ممکن است به کودک تجاوز کنند.

مشکلات و اختلالات روان‌شناختی-جنسی، پندارهای متجاوز، بزهکاری و جرم، آسیب‌های مغزی، عدم توانایی در خودکنترلی و ... مواردی هستند که متجاوز را به انجام آزار جنسی و تجاوز می‌کشاند.

برخی از سران و مقامات حکومت اسلامی و امام جمعه‌ها و غیره، ادعا دارند که حجاب مصونیت است و از بروز تجاوز جلوگیری می‌کند در حالی که چنین ادعایی به هیچ وجه درست نیست و صحت ندارد. پس حجاب و یا بی‌حجابی نمی‌تواند مانع تجاوز جنسی شود. بنابراین، عامل حجاب نمی‌تواند مانع تجاوز و آزار جنسی شود بلکه برعکس، حتی زمینه بروز تجاوز بیش‌تر می‌شود. فقط کافیست که نگاهی گذرا به آمار تجاوز در حکومت اسلامی ایران و یا گروه‌های مذهبی مانند طالبان و بوکوحرام و داعش و غیره ببینیم تا به سادگی دریابیم که افکار و ایدئولوژی و سیاست‌های این جریان‌ها به‌طور مستقیم تجاوز را تبلیغ و ترویج و بازتولید می‌کنند.

برای مثال، معصومه ابتکار، معاون پیشین رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده -در دولت حسن روحانی- در گفت‌وگویی تصویری با انصاف نیوز موضوع «می‌تو» در ایران را مورد بررسی قرار داده و از علت آزار و اذیت زنان، کودکان و حتی مردان سخن گفته و مستند به گفته او پر بیراه نیست اگر بگوییم که هیچ زنی در ایران وجود ندارد که آزار و اذیت را تجربه نکرده باشد. معصومه ابتکار حتی برای کاهش اذیت، تعرض و تجاوز راه‌حلهایی مطرح کرده است.

ابتکار با تعریف و تمجید از رهبر و رئیس جمهور و حکومت دینی، در عین حال با اشاره به مجرا سعید طوسی، اقرار کرده است: «اصلاً اجازه ندادند موضوع سعید طوسی باز و مسئله درست مطرح شود. اما این موضوعات در تمامی صنف‌ها وجود دارد حتی این‌طور نیست که فکر کنید در صنف‌های مذهبی ما این مسائل وجود ندارد. متأسفانه در صنف‌های مذهبی هم وجود دارد.»

محمود صادقی، نماینده تهران از تیرئه سعید طوسی خبر داده است. انتشار خبر تیرئه شدن سعید طوسی، قاری مشهور قرآن از اتهام آزار جنسی، موجی از اعتراض‌ها را به‌وجود آورده است. یک نماینده مجلس، تصاویری را منتشر کرده که به گفته او حکم دادگاه بدوی درباره سعید طوسی است.

آفتاب نیوز، ۷ بهمن ۱۳۹۶، نوشت:

خبر تبرئه شدن سعید طوسی، قاری مشهور قرآن از اتهام آزار جنسی چند نوجوان، انتقادهایی را در پی داشته است. این خبر را ابتدا محمود صادقی، نماینده اصلاح طلب تهران در مجلس با انتشار توییتی اعلام کرده بود. بعد از آن سعید طوسی در واکنش به توییت این نماینده مجلس، ضمن تایید تبرئه خود، ادعای زد و بند در پرونده اش را رد کرد. به گزارش آفتاب نیوز، محمود صادقی همچنین تصاویری را منتشر کرده که به گفته او حکم دادگاه بدوی درباره سعید طوسی است.

محمود صادقی نوشته است: «شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر تهران بدون امضای رییس دادگاه با رای دو مستشار از شعبه دیگر حکم صادره علیه مربی صوت و لحن مبنی بر ۴ سال حبس را نقض و او را تبرئه کرد؛ اسناد پرونده حاکی از اعمال نفوذ آشکار در فرایند دادرسی است. حدود ۲ سال بود که مدیرکل دادگستری پرونده را از دادگاه گرفته بود.» این نماینده مجلس شورای اسلامی، افزود: خانواده کودکان به دلیل عدم تمکن مالی، وکیل نداشتند و با این حال ما از طریق کمیسیون اصل ۹۰ و دیگر ابزارهای نظارتی مجلس پیگیر این پرونده خواهیم بود. پیش از این مکاتباتی از طریق کمیسیون اصل ۹۰ و قضایی و حقوقی مجلس انجام داده و نامه نگاری این دو کمیسیون با مقامات قضایی را منتشر کرده بودیم اما متأسفانه با وجود آن که ۳ ماه از این پیگیری ها می گذرد، هیچ پاسخی از سوی دستگاه قضایی به این ۲ کمیسیون داده نشد. اخیراً اولیای ۲ نفر از کودکانی که تحت آزار قرار گرفته بودند، به مجلس مراجعه کرده و در ادامه پیگیری شکایت شان یک نسخه از رای را به بنده و یک نسخه نیز به کمیسیون اصل ۹۰ ارائه کردند. احمد توکلی رییس هیات مدیره سازمان دیده بان شفافیت و عدالت نیز در واکنش به خبر تبرئه سعید طوسی گفت: این خبر را که شنیدم یکه خوردم.

سعید گندمنژاد طوسی متولد ۱۳۴۹ در تهران است. او از یکسالگی به مشهد رفته و از پنج سالگی فعالیت های قرآنی خود را آغاز کرد.

براساس گزارش سایت مشرق، او قاری بین المللی قرآن، کارشناس شورای عالی قرآن، آموزگار کلاس های قرآن با تمرکز بر آموزش نوجوانان است. سعید طوسی بارها برنده مسابقات قرائت قرآن در کشورهای مختلف شده است. او نفر اول مسابقات بین المللی سوریه ۱۳۷۲، نفر اول مسابقات بین المللی مالزی ۱۳۷۷، نفر اول مسابقه کشوری ابتهال و دعا، نفر اول مسابقات کشوری قرائت قرآن ۱۳۷۹ است.

طوسی در مراسم های رسمی مختلفی چون افتتاحیه مجلس دهم، مراسم احیای شب های قدر در مصلاهی تهران به قرائت قرآن پرداخت. او از اعضای شورای عالی قرآن کشور است.

برای اولین بار در خرداد ماه ۱۳۹۵، برخی رسانه ها از وجود پرونده علیه سعید طوسی به دلیل اعمال منافی عفت خبر دادند. این اخبار آن چنان مورد توجه قرار نگرفت تا این که اوایل مهر ماه همان سال یکی از رسانه های خارج از ایران اتهامات سنگینی علیه او مطرح کرد.

این اتهامات بازتاب گسترده ای در شبکه های مجازی داشت. برخی شاکیان این پرونده نیز گفت و گوهایی با رسانه های خارج از ایران داشته اند که در آن ادعاها و اتهامات خود را علیه سعید طوسی مطرح کردند. در واکنش به این اتهامات سعید طوسی دو بیانیه صادر کرد و همه ادعاها را رد کرد.

سعید طوسی خطاب به خامنه ای رهبر حکومت اسلامی، نوشته است: «رهبر! سلام و درود بر تو و صلابتت. هیبتت مستدام که دشمنانت چنان خار و زیون شده اند که چون در مقابل اقتدار و نفوذ کلامت درمانده گشته اند، فرصت را غنیمت شمرده و توطئه های ناجوانمردانه خود را با بهانه قراردادن من، متوجه مقام ولایت سازند! شرمسارم که قرعه

آنان به نام من افتاد و مرا بهانه تهمت و تخریب کرده‌اند و در عین حال، سرفرازم از این که مرا قاری محبوب شما می‌خوانند.»

طوسی در مورد خانواده‌اش گفته است: «از دواج کرده و سه فرزند دارم که فرزندانم نیز علاقه‌مند به قرائت قرآن هستند و سعی بر این است در منزل محیطی آرام با الهام از نور قرآن و قرائت آیات آن ایجاد کنم.»

حاج سعید طوسی سال‌ها در حال تعرض جنسی و تجاوز به بچه‌های قرآنی و قاریان نخبه مملکت بود؛ تا این که برایش پرونده‌ای در قوه قضاییه تشکیل شد، ولی به دستور بیت رهبر پرونده مسکوت ماند و قرار است تبرئه شود. چند نفر از شاکیان - بچه‌هایی که مورد تعرض جنسی این شخص قرار گرفتند - با رسانه‌های خارج کشور گفت‌وگو کردند. یکی از شاگردان سعید طوسی - که از شاکیان او نیز بود و رتبه اول کشور در اذان است، در سال ۹۶، ۱۹ سال داشت و شکایتش به زمانی برمی‌گردد که تنها ۱۳ سال داشت.

این بچه ۱۳ ساله و دیگری که مورد تجاوز واقع شده ولی نمی‌تواند شکایت کند، وقتی می‌بینند که نمی‌توانند مسئله را از طریق شورایی عالی قرآن و دفتر رهبر پیش ببرند، قضیه را با والدین خود در میان می‌گذارند.

شاگرد - شاکی طوسی می‌گوید وقتی پدرش متوجه قضیه شد، همراه با والدین شاگردان دیگر کلاس قرآن که مورد تجاوز این فرد قرار گرفته بودند، جمع شدند تا از وی رسماً شکایت کنند.

۹ سی دی از مکالمات با طوسی را، که وی در آن به ارتباطات ناسالم با نوجوانان قرآنی اشاره کرده بود، تحویل قوه قضاییه دادند. بچه‌هایی که مورد تعرض جنسی طوسی قرار گرفته بودند، به بهانه‌های مختلف با او صحبت کردند، و صحبت‌ها را روی سی دی‌ها ضبط کردند. او نمی‌دانست که گفته‌هایش ضبط می‌شود، و به عنوان سند، تحویل قوه قضاییه می‌شود. این موضوع در دادنامه هم آمده است.

بچه‌ها اسناد دیگری هم - از جمله دو توبه نامه به دست خط خود طوسی، پیامک‌های او به نوجوانان، و اظهارات شکات - جمع می‌کنند و در اختیار قوه قضاییه قرار می‌دهند.

عده افرادی که مورد تجاوز او قرار گرفته بودند، خیلی زیاد بود. اما بعضی از ترس آبروی خود و خانواده حاضر به شکایت نبودند، و گفتند که در دادگاه به عنوان شاهد حضور خواهند یافت.

بعد از جمع شدن شواهد و اسناد کافی برای دادرسی، قرار دادگاه و محاکمه گذاشته شد. در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۹۱، قرار مجرمیت به امضای کیان منش، بازپرس شعبه ۱۵ دادرسی کارکنان دولت، صادر شد. مهر ۹۱، بعد از صدور قرار مجرمیت، پرونده به طبقه بالا، یعنی معاون دادستان ارجاع شد.

قطبی دادیار دادرسی عمومی و انقلاب تهران، نامه‌ای نوشت به ریاست دادگاه‌های عمومی و جزایی استان تهران، و مطابق ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی برای سعید طوسی تقاضای کیفر کرد. اما جلوی پیشرفت روند آن را می‌گیرند. نماینده رهبر، تشر زد که جلوی پرونده را بگیرد. پرونده از دادستان به رییس قوه قضاییه، سپس به مشاور ریاست قوه قضاییه، ارجاع می‌شود؛ بعد به دادستانی و شعبه بازپرسی دادرسی برمی‌گردد - همراه با نامه دادستان جعفری دولت آبادی که امر رهبر را اجرا می‌کند.

پرونده در دادگاه کارکنان دولت، شعبه ۱۰۵۷ به ریاست قاضی حیدری بررسی شد. از میان جرایم طوسی، تنها به یکی که از همه کوچکتر بود یعنی «تشویق به فساد و فحشا و تحریک جنسی نوجوانان» رسیدگی کردند.

برای دو مورد اصلی دیگر قرار منع تعقیب صادر شد. دو مورد شکایتی که قرار منع تعقیب برایش زدند - یعنی «ارتکاب اعمال منافی عفت و افعال حرام با نوجوانان و تفخیز» - مجازاتش طبق قوانین حکومت اسلامی اعدام است.

نهایتاً حکم چهار سال زندان برای وی صادر کردند. اما آیا همان یک مورد مجازات هم در مورد این قاری معروف محبوب رهبر اجرا شد؟

تعداد نوجوانانی که به عنوان شاکی اصلی یا شاهد در دادگاه حاضر شده و گفته‌اند حاج سعید طوسی، قاری برتر نظام مقدس، به آنان تجاوز کرده، بیش از ۱۰ نفر بود. اغلب آن‌ها بچه‌هایی هستند که با علاقه قرائت قرآن و مسابقات اذان و قرآن و ... را دنبال کرده‌اند.

برای همه روشن است که رهبر «معظم نظام»، از این جنایت، باخبر بوده و خواهان بسته شدن این پرونده تجاوز طوسی به کودکان شده بود.



دست‌کم سه شاهی که تا کنون با رسانه‌ها حرف زده‌اند گفته‌اند که همه از خانواده‌های متدین می‌آیند و از کودکی وارد کلاس‌های تلاوت قرآن شده‌اند. طوسی، معلم آن‌ها، به بهانه گفت‌وگو در مورد موضوع‌های شرعی مربوط به بلوغ به آن‌ها نزدیک می‌شده، آن‌ها را ابتدا با کلام تحریک جنسی می‌کرده، سپس به آن‌ها تصاویر یا فیلم‌های سکسی نشان می‌داده، به آن‌ها یا آلت تناسلی آنها دست می‌زده، در حمام به بهانه ماساژ به بدن آن‌ها دست می‌زده، پس از تحریک جنسی یا از آن‌ها می‌خواسته که به خود طوسی دخول از مقعد کنند (که شاکیان نکرده‌اند) و یا با مالیدن آلت تناسلی خود به بدن این نوجوانان ارگاسم می‌شده - «منی از او خارج می‌شده» - کاری که به زبان فقهی به آن «تفخیز» می‌گویند و ...

در واقع هدف تجاوز و آزار جنسی همیشه رسیدن به ارگاسم جنسی نیست. هدف‌های گوناگونی برای تجاوز وجود دارد که یکی از آن‌ها ارضا یا ارگاسم جنسی است. اما به‌طور کلی هدف از تجاوز انتقام، لذت، پرخاشگری و خشم، پندارهای سادیسمی و ارضای جنسی انگیزه‌های اصلی انجام تجاوز و آزار جنسی هستند.

کسی که مورد تجاوز یا آزار جنسی قرار می‌گیرد (چه زن و چه مرد) یک قربانی است و از آسیب‌های جسمانی و روانی رنج می‌برد. این آسیب‌ها ممکن است همیشه همراه فرد بماند چون بسیاری از قربانیان تجاوز، رخداد ناگواری که برایشان پیش آمده را پنهان می‌کنند و حتی خود را مقصر می‌دانند و احساس گناه می‌کنند. اگر تجاوز و آزار جنسی در کودکی انجام شود آسیب‌های روان‌شناختی بیش‌تری را به همراه خواهد داشت. کودک درباره تجاوز سکوت می‌کند اما پیامدهای روانی تجاوز تا بزرگسالی همراه فرد می‌ماند و فراموش نمی‌شود. پس بازگشت این افراد به زندگی عادی بسیار دشوارتر است. قربانی تجاوز دچار اختلالات روانی گوناگونی همچون افسردگی، استرس، اضطراب و ... می‌شود. قربانیان تجاوز به دلیل ترس از پیش‌داوری و قضاوت شدن از سوی خانواده و دیگران و احتمالاً احساس مقصر و گناهکار بودن راز تجاوز را پنهان و از مراجعه به روان‌شناس خودداری می‌کنند.

ضرورت دارد که نهادهای مردمی، به‌ویژه تشکلهای زنان و روان‌کاوان و روان‌پزشکان و ...، برای افزایش آگاهی قربانیان تجاوز و آزار جنسی تلاش کنند. کسی که مورد تجاوز و آزار جنسی قرار می‌گیرد «قربانی» است نه

«مجرم.» حمایت عاطفی خانواده و جامعه، نقش مهمی در بهبود سلامت روان قربانیان تجاوز دارد. کسانی که دچار تجاوز و آزار جنسی قرار گرفته‌اند با دوره‌های ویژه روان‌درمانی می‌توانند سلامت جسمی و روانی خود را دوباره به دست آورند و از اختلالات و فشارهای روانی که بر اثر تجاوز پیش آمده نیز رها شوند.

افزایش آگاهی مهم‌ترین عملی است که انسان به آن نیازمند است. باید آموزش‌های ویژه و متناسب با سن در مدرسه‌ها به کودکان داده شود تا درک درستی از مسائل جنسی داشته باشند. افزایش آگاهی خانواده‌ها نیز بسیار مهم است. مردم باید نسبت به اختلالات روان‌شناختی-جنسی آگاه شوند تا اگر نشانه‌های اختلالات جنسی را در خود یا نزدیکان‌شان دیدند اقدام به موقعی برای روان‌درمانی انجام دهند تا از بروز آسیب در آینده پیش‌گیری شود.

تصمیم‌گیرنده نهایی درباره متجاوزین جنسی در هر کشوری قانون است. تجاوز رفتاری بزهکارانه و نابخشودنی است که کیفر را به همراه دارد. اما اگر مسئله از دیدگاه روان‌شناسی بررسی شود باید به اختلالات روان‌شناختی-جنسی اشاره گردد. چرا که هیچ انسانی متجاوز زائیده نمی‌شود بلکه در گذر زمان و شرایط خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی است که دست به تجاوز و آزار جنسی می‌زند. هدف از مجازات قضایی در هر جامعه‌ای این است که فرد مجرم از رفتار نادرستش پشیمان گردد و از بروز دوباره جرم جلوگیری شود. اما هم قربانی و هم متجاوز نیازمند روان‌درمانی هستند تا بتوانند از اختلالات و انحرافات جنسی رها شوند.

قربانیان امکان دارد کتک بخورند، مجروح شوند و یا کشته شوند. در کل قربانیان تجاوز جنسی از لحاظ روانی و جسمی ضربات شدیدی را تحمل می‌شوند.

آمارها نشان می‌دهد بیش‌تر مردهایی که مرتکب تجاوز جنسی می‌شوند اغلب بین ۲۵ تا ۴۴ سال سن دارند. همچنین قربانیان تجاوز جنسی امکان دارد در هر رده سنی باشند مواردی که قربانی فقط ۱۵ ماه سن داشته تا مواردی که زن ۸۲ ساله مورد تجاوز قرار گرفته نشان‌دهنده این است که امکان تجاوز جنسی به زن‌ها در هر سنی امکان دارد اتفاق بیفتد.

در حدود ۵۰ درصد از موارد فرد متجاوز بیگانه است و در نیمی از موارد دیگر تجاوز از سوی بستگان نزدیک زن صورت می‌گیرد و در حدود ۱۰ درصد موارد هم تجاوز به صورت دسته‌جمعی صورت می‌گیرد.

اما تا آن‌جا که به پرونده کیوان امام‌وردی مربوط است «لیلا علی‌کرمی»، حقوق‌دان و وکیل حقوق‌بشری به رسانه‌ها گفته است که شاکیان و وکیل این پرونده، همگی از ابتدای طرح شکایت، تحت فشار بوده‌اند، گفته است: «عده‌ای بودند که به شاکیان و وکیل آن‌ها، خانم قوشه حمله می‌کردند که چرا طرح دعوی کردید که یک نفر دیگر هم اعدام شود. ولی مگر شاکیان و وکیل آن‌ها جز قانون ابزار دیگری داشتند؟ خانم قوشه خودش وکیل حقوق‌بشری هستند و مخالف اعدام، ولی باید در پرونده وارد شده و از موکلانش دفاع می‌کرد که نتیجه در صورت اثبات، اعدام بود. ابزار کار وکیل قانون است.»

وی درباره نبودن تعریف حقوقی برای تجاوز در قوانین ایران و یکی دانستن آن با «زنای به عنف» که مجازات آن اعدام است نیز، توضیح داده و گفته: «در ایران مشکل قانون‌گذاری وجود دارد، چون در قانون، مفهوم تجاوز به معنایی که در دیگر کشورهای دنیا وجود دارد، تعریف نشده. در قانون مجازات اسلامی، دو مفهوم زنا و زنای به عنف هست و تجاوز، اصولاً تعریف نشده است.»

این وکیل مدافع حقوق‌بشر، تاکید کرده است که قوانین ایران هر رابطه جنسی خارج از ازدواجی را جرم‌انگاری کرده، می‌گوید: «طبق قوانین ایران، رابطه جنسی خارج از زوجیت، زنا است و این برگرفته از شریعت است. سه مجازات

برای زنا پیش‌بینی شده، شلاق، اعدام و سنگسار. در زنا به عنف که در سیستم قضایی ایران عملاً تفاوتی بین آن و تجاوز نیست، شاکی باید آن را اثبات کند و چنانچه اثبات شود، مجازات آن اعدام است.»

علی‌کرمی می‌افزاید: «همه مشکل‌ها برمی‌گردد به قانون و این‌که تعریف مشخصی از آزار و اذیت جنسی و تجاوز در قوانین ایران نداریم. نحوه گزارش‌دهی مشخص نیست. کسی که می‌خواهد گزارش دهد، سردرگم می‌ماند. این مسئله کلیدی است و باید بر آن تاکید شود.»

این حقوق‌دان ایرانی ساکن بریتانیا، همچنین با تاکید بر نقش جامعه مدنی گفته است: «اطلاع‌رسانی درباره این خلا قانونی بسیار مهم است. قانون‌گذار هم حتماً باید قانون را اصلاح کند. تجاوز باید در سیستم قانونی ایران، تعریف درست و صحیحی داشته باشد و جدا از جرم زنا به عنف باشد. چون تا زمانی‌که این دو مسئله با هم درگیر هستند و قاطی شده‌اند، وضعیت همین است.»

وی با اشاره به پرونده زنی به‌نام «لیلا مافی» که در اواسط دهه ۸۰ با این‌که از برادرانش به اتهام تجاوز شاکی بود، به اعدام محکوم شد، گفته که: «لیلا مافی دختری بود که به اتهام زنا با محارم و رابطه جنسی با برادرانش در سال ۸۳ به اعدام محکوم شد. اما او در گفته‌هایش مکرراً از واژه تجاوز برای شرح ارتباط با برادرانش استفاده می‌کرد. برادران او منکر تجاوز و دخول شده بودند و در نتیجه به‌عنوان ارتکاب عمل منافی عفت به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شدند؛ ولی لیلا که قربانی تجاوز بود، چون به دخول اقرار کرده بود محکوم به اعدام شد.»

لیلا علی‌کرمی، در پایان این خلاء قانونی و یکی دانستن تجاوز و زنا به عنف را یکی از بزرگ‌ترین معایب حقوق کیفری ایران خوانده و می‌گوید: «اثبات زنا به عنف بر عهده قربانی است و از آن‌جا که دلایل اثباتی زنا و تجاوز یکی است، این امر بسیار پیچیده و سخت است. به‌علاوه، قانون جبران خسارت و حمایت مالی از قربانیان جرم زنا به عنف را پیش‌بینی نکرده و در نتیجه صدمات جسمی و روانی وارده بر قربانیان را به‌طور کامل به رسمیت نشناخته است.»

در این‌جا به دو مطالعه درباره تجاوز در کشور اشاره می‌کنم. یکی مطالعه‌ای که در سال ۹۱-۹۰ در استان کهگیلویه و بویراحمد درباره پرونده‌های پزشکی قانونی انجام شده بود. در این گزارش میانگین سنی کسانی که مورد تجاوز قرار گرفته بودند ۲۰ سال بود و قربانیان در محدوده سنی حداقل هفت تا ۲۸ سال قرار داشتند؛ بنابراین تجاوز در گروه‌های سنی کودکان و دختر بچه‌ها بیش‌تر از سایر سنین است.

مطالعه دیگری در سال ۱۳۹۴ در اصفهان انجام شد، میانگین سن قربانیان ۲۳ سال گزارش شده بود و از حدود ۱۷ تا ۲۸ سال را شامل می‌شد؛ بنابراین با تابلویی که از وضعیت تجاوز در ایران داریم، امکان مقایسه آن با خارج از کشور وجود ندارد، چراکه اطلاعات بسیار ناقص و محلی و مقطعی است و هرگونه مداخله برای بهبود این وضع و کنترل تجاوز لازمه‌اش شناخت کامل و روشن از پدیده است.

اگرچه ما گزارش جامعی درباره میزان آزار در بین کودکان به‌ویژه آزار جنسی نداریم، اما در یک ارزیابی که من از مطالعات مختلف انجام دادم و در کتاب خشونت علیه کودکان در ایران آمده، می‌شود به نکاتی دست پیدا کرد. شایع‌ترین سن وقوع آزار جنسی در دختران و پسران متفاوت است. یادمان باشد چون جمعیت زیر ۱۸ سال هنوز به هوشیاری و آگاهی برای ورود به رابطه جنسی نرسیده‌اند، بنابراین هر نوع رابطه جنسی با کودکان را می‌شود تجاوز قلمداد کرد. اغلب تجاوز به وسیله افراد بزرگسال و با تهدید و زور انجام می‌شود. بیش‌ترین دختران آزار دیده جنسی بین سنین ۱۰ تا ۱۵ سال بوده‌اند؛ یعنی در ابتدای سنین بلوغ و پیامدهای این آزار برای دختران بسیار جدی است.

البته در بین پسران هم گزارش‌هایی از آزار جنسی وجود دارد و بین سنین شش تا ۱۰ سال بیش‌ترین آمار تجاوز در پسران اتفاق می‌افتد. به این ترتیب می‌شود گفت که دامنه شیوع آزار و تجاوز جنسی در میان بچه‌ها هم قابل توجه است.

متأسفانه ما مطالعات مستقل و جامع در این زمینه نداریم؛ ولی برخی شواهد نشان می‌دهد که وقوع آزار جنسی یا تجاوز توسط بزرگسالان و قربانی‌شدن کودکان کم نیست و موضوع قابل‌توجهی است. در مطالعاتی که در برخی مدارس و بین دانش‌آموزان انجام شده، گزارش‌هایی منتشر شده که وقوع آزار جنسی را در مواردی خیلی بالا و قابل توجه گزارش می‌کند. یکی از آثار و پیامدهای آزار جنسی بر کودکان قربانی، افت تحصیلی است.

در پایان می‌توانیم تاکید کنیم که ریشه‌های اصلی تجاوز به زنان و حتی کودکان در جامعه ایران را باید در قوانین و عملکردهای سیاسی و قضایی و اجتماعی و ایدئولوژی حکومت اسلامی و همچنین سنت‌های جاری مردسالاری در جامعه جست‌وجو کرد و مورد بحث و بررسی قرار داد. به خصوص زن در حاکمیت حکومت اسلامی ایران، نصف انسان محسوب می‌شود و به همین دلیل، به‌ویژه زنان آزاد و مستقل و خودرای در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، هیچ گونه حقوق انسانی و اجتماعی و قضایی ندارند.

زن قربانی در ایران، حتی جرات نمی‌کند مسئله تجاوز به جسم و جان را به خانواده خود بگوید تا چه برسد به مراجع و دادگاه‌های مدافع مردسالاری حکومت اسلامی مراجعه کنند. چرا که در هر حال، زن مقصر شناخته می‌شود و باید تنبیه گردد!

البته تنها زن‌ها مورد تجاوز جنسی قرار نمی‌گیرند. همان‌طور که در بالای نیز اشاره کردیم افرادی همچون سعید طوسی نیز وجود دارند که قربانیان خود را از میان کودکان و یا مردان انتخاب کرده و صدمات جبران‌ناپذیری را به آن‌ها وارد می‌کنند بدون این که مورد مواخذه و محاکمه قرار گیرند.

با این که میلیون‌ها زن خشونت و تعرضات جنسی را تجربه می‌کنند اما بر اساس آمارها و تحقیقات سازمان ملل تنها ۴۰ درصد از کسانی که خشونت جنسی را تجربه می‌کنند، آن را گزارش می‌دهند و تنها کمتر از ۱۰ درصد از پلیس و نیروی انتظامی درخواست کمک می‌کنند.

بی‌گمان تجاوز جنسی از وحشتناک‌ترین اتفاقاتی است که ممکن است یک انسان در سن کوچکی و بزرگسالی تجربه کند و پیامدها و آثار آن می‌تواند تا آخر عمر با او همراه باشد. به‌همین دلیل مهم‌ترین کمکی که می‌توان به این قربانیان تجاوز کرد، حمایت همه‌جانبه و فوری از آن‌هاست. همچنین ضرورت دارد در این زمینه، حتماً به روان‌شناس مراجعه کرد.

اگر بخواهیم عدالت و آزادی در جامعه برقرار شود و از بروز دوباره تجاوز جلوگیری گردد هم باید به سطح آموزش و آگاهی اهمیت داد و هم باید به درمان اختلالات روانی متجاوزین نیز توجه ویژه‌ای داشت. چرا که تلاش برای بهبود

سلامت روان جامعه و جلوگیری از بروز دوباره تجاوز و آزار جنسی در جامعه بسیار مهم است تا اعدام مجرمین!

همان‌طور که در تیتراژ این مطلب تاکید کردیم «**قوانین و عملکردهای حکومت اسلامی متجاوزان و جنایت‌کاران را حریص‌تر می‌کنند!**»؛ بنابراین همان‌طور که جنبش‌های اجتماعی و اعتراض‌ها و اعتصابات‌های کارگری تلاش می‌کنند علاوه بر خواست مطالبات اقتصادی و اجتماعی، یک وجه مهم مبارزه طبقاتی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی‌مان باید به‌طور هدفمند و سازمان‌دهی شده در راستای برکناری کلیت حکومت اسلامی، با هدف برپایی یک جامعه نوین باشد که یکبار برای همیشه پرونده جنایت‌کاران و متجاوزین در جامعه ایران را ببندد و در جهت برقراری آزادی و برابری و عدالت اجتماعی و رفاه عمومی گام‌های جدی و ماندگار بردارد!

سه‌شنبه بیست و هشتم تیر - سرطان - ۱۴۰۱ - نوزدهم جولای ۲۰۲۲